نگاه هفته

۲۵ درصد صادرات نفت ایران به اروپا

سعیده شفیعی
پژوهشگر اقتصادی

● در روزهای آغازین هفته گذشته قیمت دو شاخص عمده نفت با اندکی افزایش مواجه و در سطح ۴۶ دلار معامله شدند. تا میانه هفته قیمت‌ها با نوسانات اندکی در این سطح باقی ماند تا در روز سه‌شنبه توقف مختصر در بارگیری نفت عراق و ایجاد نااطمینانی در صادرات نفت این کشور سبب افزایش قیمت‌ها تا سطح حدود ۴۷ دلار شد. در روزهای پایانی هفته، قیمت‌ها به دلیل انتشار گزارش آژانس بین‌المللی انرژی مبنی بر ادامه‌داربودن مازاد عرضه و افزایش غیرمنتظره ذخایر نفت آمریکا با اندکی کاهش مواجه شدند.

۳ شاخص اصلی قیمت نفت

قیمت نفت «برنت دریای شمال» (Brent) در نخستین ساعات روز جمعه پانزدهم جولای ۴۷ دلار و ۳۷ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل ۹۷ سنت افزایش دارد. شاخص «نفت وست‌تگزاس‌اینترمدیت» (WTI) نیز در همین روز ۴۵دلارو ۶۸ سنت معامله شد که نسبت به پایان هفته قبل، حدود ۵۳ سنت رشد نشان می‌دهد. رشد اندک این دو شاخص در حالی اتفاق افتاد که بنا بر گزارش دبیرخانه اوپک، قیمت سبد نفتی این سازمان (OPEC Reference Basket Price) نسبت به هفته گذشته کاهش یافته است. براساس این گزارش، قیمت سبد نفتی اوپک - که متشکل از میانگین قیمت نفت ۱۲ کشور عضو این سازمان است- در پایان روز پنجشنبه چهاردهم جولای به ۴۲دلارو ۸۸ سنت رسید که نسبت به روز قبل (چهارشنبه) ۳۷سنت و نسبت به روز مشابه در هفته قبل یک دلار و ۴۷ سنت پایین‌تر است.

رشد تولید اوپک در اثر افزایش تولید ایران

براساس گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA) در گزارش «چشم‌انداز کوتاه‌مدت بازار انرژی (STEO)»، تولید نفت اوپک در سال جاری میلادی ۰٫۸ درصد رشد خواهد داشت که بخش عمده آن، مربوط به افزایش تولید نفت ایران است. بر این اساس، مجموع تولید نفت خام کشورهای عضو اوپک در سال گذشته میلادی معادل ۳۱میلیون‌و ۸۰۰ هزار بشکه بود که در سال ۲۰۱۶ میلادی از ۰٫۸ درصد و در سال ۲۰۱۷ میلادی از ۰٫۵ درصد رشد برخوردار خواهد شد. همچنین گزارش این نهاد بین‌المللی انرژی نشان می‌دهد میانگین تولید نفت ایران در سه ماه دوم سال ۲۰۱۶ میلادی به سه‌میلیون‌و ۵۸۰ هزار بشکه در روز رسید که نسبت به مدت مشابه سال قبل، رشد درخورتوجه ۲۷ درصدی داشته است.

رشد اندک تقاضای جهانی نفت در سال جاری

براساس گزارش ماهانه دبیرخانه اوپک از تحولات بازار نفت (MOMR)، تقاضا (مصرف) نفت در سال جاری میلادی با رشد اندکی مواجه خواهد بود. گزارش این نهاد آماری نشان می‌دهد تقاضای نفت در سال جاری میلادی با رشد ۱٫۲ درصدی نسبت به سال گذشته به ۹۴میلیون و ۱۸۰ هزار بشکه در روز خواهد رسید و در سال ۲۰۱۷ میلادی، سطح ۹۵میلیون‌و ۳۳۰ هزار بشکه‌ای را تجربه خواهد کرد. دلیل اصلی این افزایش اندک، رشد اقتصادی رو به نزول جهان عنوان شده است. براساس این گزارش، کشور هندوستان با رشد ۶٫۵ درصدی تقاضا در سال جاری میلادی، بیشترین افزایش مصرف این حامل انرژی را به خود اختصاص داده است. بر این اساس، مصرف نفت خام این کشور در سال ۲۰۱۵ میلادی معادل چهارمیلیون‌و ۵۰ هزار بشکه در روز بود که این رقم با افزایش ۲۳۰هزاربشکه‌ای به چهارمیلیون‌و ۲۸۰ هزار بشکه در سال جاری میلادی افزایش یافته است.

صادرات ۲ میلیون بشکه‌ای نفت ایران

مدیر امور بین‌الملل شرکت ملی نفت ایران روز دوشنبه در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری بلومبرگ اعلام کرد هم‌اکنون تولید نفت ایران سه‌میلیون‌و ۸۰۰ هزار بشکه در روز است که از این میزان دو میلیون بشکه به صادرات اختصاص دارد. وی با اشاره به برنامه‌های وزارت نفت برای افزایش تولید در شرایط پساتحریم، صادرات چهارمیلیون‌بشکه‌ای را هدف اصلی این وزارتخانه عنوان کرد و افزود ۲۵ درصد صادرات نفت ایران به کشورهای اروپایی است و بخشی از این معاملات با یورو انجام می‌شود.

قیمت گاز طبیعی

به گزارش اداره اطلاعات انرژی دولت آمریکا (EIA)، قیمت اسپات هنری‌هاب (Henry Hub) به‌عنوان شاخصی برای قیمت فروش لحظه‌ای گاز طبیعی در آمریکا در هفته منتهی به پانزدهم جولای، در سطح دودلارو ۸۸ سنت به ازای هرمیلیون بی‌تی‌یو یا واحد گرمایی انگلیسی (MMBtu) مبادله شد که نسبت به هفته گذشته، هشت سنت افزایش نشان می‌دهد. با آغاز فصل گرما در هفته‌های اخیر و افزایش مصرف بر اثر استفاده از وسایل سرمایشی، قیمت این حامل انرژی روندی افزایشی را ثبت کرده است و به نظر می‌رسد این روند در چند هفته آینده ادامه‌دار باشد.

میهمانی ۴ کشور بر سفره خزر

ادامه از صفحه ۴

از نظر شما این ماجرا سیاسی است؟

نمی‌توانم بگویم سیاسی است. می‌گویم به دلیل نشناختن وضعیت جاری بازار نفت بود. میدان مشترک ظرفی است که امکان استفاده از آن در اختیار دو طرف است. اگر یک طرف خودش را با دانش روز تجهیز کند و شما منابع مالی فراهم نکنید و تکنولوژی روز را به کار نگیرید، طبیعی است میدان را می‌بازید. این اتفاق هم افتاده است. یک طرف منابع مالی ندارد، با سیستم‌های حفاری کهنه کار می‌کند و طرف دیگر تکنولوژی روز RSS را به کار می‌گیرد. طبیعی است در اکتشاف و استخراج سرعت او ۱۰ برابر شماست و زودتر از شما به نفت می‌رسد.

در چنین شرایطی که مخالفت‌ها صورت می‌گیرد، چطور می‌توان مخالفان را متوجه خطایشان کرد؟ وظیفه وزارت نفت چیست؟

وقتی می‌گویم قطر روزانه ۵۰۰ هزار بشکه و ایران ۵۰ هزار بشکه از لایه‌های نفتی پارس جنوبی برداشت می‌کند، یعنی ۴۵۰ هزار بشکه در روز از قطر عقب هستیم و این کشور از ثروت ما برمی‌دارد. این میزان را با قیمت نفت می‌توان محاسبه کرد. باید اختلاف گاز و نفت را در قیمتشان ضرب کرد تا متوجه شویم روزانه چقدر متضرر می‌شویم ولی درهرحال رقم فوق‌العاده‌ای است. اگر متوسط قیمت نفت را ۵۰ دلار در نظر بگیریم در پارس جنوبی ۲۲ میلیون دلار در روز ضرر می‌کنیم و در سال هشت میلیارد و ۱۰۰ میلیون دلار قطر از سهم ما برداشت می‌کند. گاز هم از ما بیشتر تولید می‌کند منتها عقب‌ماندگی ما در گاز به اندازه نفت نیست. عراق حدود ۱۵۰ هزار بشکه در روز بیشتر از ما برداشت می‌کند، در آینده بیشتر هم خواهد شد. درواقع اکنون روزانه هفت میلیون و ۵۰۰ هزار دلار و سالانه دو میلیارد و ۷۰۰ هزار دلار از عراق عقب‌تر هستیم؛ عراقی که وضعیت خوبی نداشته و ندارد. حال در این فرصت می‌گوییم حضور شرکت‌های خارجی در میادین مشترک، درهم‌کوبیدن اقتصاد مقاومتی و فرصت‌ندادن به شرکت‌های داخلی است. اما در پروژه‌هایی که در آنها رقابت وجود دارد، زمان عاملی بسیار تعیین‌کننده است. تا غفلت کنیم ذخیره چاه تمام می‌شود. درباره چاه‌هایی که در داخل کشور است، می‌توانیم بگوییم نگاهمان باید این باشد که با تکنولوژی‌های در اختیارمان جلو برویم، اما درباره چاه‌هایی که مشترک هستند، باید هم ثروت و منابع مالی را جذب کنیم، هم با استفاده از تکنولوژی روند برداشت را تسریع کنیم و مکانیسمی به کار بگیریم که بتوانیم وارد رقابت شویم. چرا شرکت‌های خارجی در عراق بیشتر فعال هستند؟ چون عراق نسبت به ما مکانیسم بهتری ارائه کرده است. اگر در رقابت باقی بمانیم، می‌توانیم برداشتمان را بیشتر کنیم. درحال‌حاضر به‌نوعی ربایش منابع برای ایران اتفاق می‌افتد و این خیلی برای ما بد است. در همه ۲۸ میدان مشترک با دیگر کشورها از آنها عقب هستیم. عربستان ۴۵۰ هزار بشکه در روز و ایران ۴۲ هزار بشکه در روز تولید دارد؛ یعنی ۴۰۰ هزار بشکه اختلاف در روز به ارزش ۲۰ میلیون دلار که رقمی حدود هفت میلیارد دلار در سال می‌شود. عقب‌ماندگی ما از سه کشور همسایه عربستان، عراق و قطر سالانه رقمی بالغ بر ۱۷میلیارد دلار می‌شود. چرا باید از رقابت عقب بیفتیم؟ نسبت به این آمار و ارقام چه کسی باید پاسخ‌گو باشد؟ آزادگان میدان شمالی و جنوبی دارد و یکی از بزرگ‌ترین میادین نفتی جهان است و در سال ۱۳۷۶ کشف شده و در محدوده ۲۰×۷۵ کیلومتری دشت آزادگان است. بخشی از این میدان که در عراق است، مجنون نامیده می‌شود. متأسفانه میزان تقریبی تولید ما از این میدان ۵۰ هزار بشکه است. در حالی که در عراق شرکت‌های شل و بقیه وارد کار شده و اکنون روزانه حدود ۱۸۵ هزار بشکه نفت استخراج می‌کنند و امیدوار هستند این میزان را به ۴۰۰ هزار بشکه هم برسانند. اگر چینی‌ها در ایران کم‌کاری نمی‌کردند، ما نباید عقب می‌افتادیم. به اعتقاد من هشدار و کارت زرد آقای زنگنه به چینی‌ها که به شرکت CNPC داد، به‌موقع بود. برداشت ایران از آزادگان در ۲۰۰۱ شروع شد و قرار بود ژاپنی‌ها استخراج را انجام دهند که با تهدید آمریکا از ایران خارج شدند و کاری نکردند و شرکای هندی و روسی آمدند که آنها هم با تهدید آمریکا ادامه ندادند، چین آمد که آن هم کاری نکرد. دولت جدید طرح جامعی برای میدان آزادگان جنوبی در دو فاز تعریف کرده است. در فاز نخست پیش‌بینی کرده روزانه ۳۲۰ هزار بشکه نفت و ۱۹۷ میلیون فوت‌مکعب گاز تولید شود که این میزان تولید قرار است در ۵۲ ماه انجام شود؛ یعنی حدود چهار سال و نیم بعد. قرار است در فاز دوم این میزان به ۶۰۰ هزار برسد که فعلا ۵۰ هزار بشکه در روز تولید می‌شود. این کار نیازمند منابع مالی است. باید اجازه دهیم دولت شرایطی را جذب کند که این اتفاق بیفتد. اگر دولت، این چالش‌ها را از سر راه برندارد، همین روند طی خواهد شد و کم‌کم شاهد خواهیم بود عراق بیشتروبیشتر برداشت می‌کند. اکنون عراق ۲٫۵ برابر ما برداشت دارد و اگر کاری انجام ندهیم، این میزان بیشتر هم خواهد شد.

درباره میدان آزادگان گفته می‌شد چینی‌ها اطلاعات ما را درز داده‌اند.

این را نمی‌دانم. وزارت نفت باید بگوید اما من می‌گویم چینی‌ها وقت‌کشی کردند.

به نظرتان با انگیزه خاصی این کار را انجام داده‌اند؟

در انجام تعهداتشان کوتاهی کردند اما از اینکه این کار با انگیزه انجام شده یا نه، اطلاعی ندارم. به نظرم وقتی چین فرصت را از ما می‌گیرد سوءاستفاده می‌کند. اگر اطلاعات ما را به طرف دیگر داده باشد که قضیه جداست.

عکس: امیر جدیدی، شرق

تاکنون سوءاستفاده‌هایی از طرف شرکت‌های داخلی هم از میادین شده است؟

خبر ندارم.

پس معتقدید دولت یازدهم سستی و کندی دولت قبل را انجام نداده است؟

خیر، در ابتدا در پارس جنوبی منابع داخلی ساماندهی و قراردادهایی طراحی شده که برای جذب سرمایه‌گذاری، تکنولوژی و منابع مالی جذابیت ایجاد شود که راهکار درستی است. نباید تصور کرد این کارها در مقابله با اقتصاد مقاومتی است بلکه مسئله منافع ملی مطرح است. باید به دانش روز دسترسی پیدا کنیم. اتفاقا در قراردادهای GC (سازمان پیمانکار عمومی) پیش‌بینی شده انتقال دانش از طریق شرکت‌های دانش‌بنیان یا دانشگاه اتفاق بیفتد. به نظرم نمی‌توانیم با روش‌های قدیم صنعت بالادستی به هدف‌هایمان برسیم. باید دانشمان را به‌روز کنیم. زمانی فقط حفاری را از طریق MWD انجام می‌دادند، امروز این کار هم انجام می‌شود اما هر جا بتوانند از RSS استفاده می‌کنند که سرعت ۱۰ برابر شود. قطر همین کار را انجام می‌دهد. این طرف، ما با تکنولوژی MWD کار می‌کنیم و آن طرف با RSS کار می‌کنند؛ یعنی سرعت تکنولوژی‌شان ۱۰ برابر ماست و به همین خاطر مدام فاصله‌مان بیشتر می‌شود.

درحال‌حاضر وزارت نفت باید چه کاری انجام دهد؟ باید صبر کند تا قراردادها اصلاح شود و بعد اقدام کند؟

قراردادها اصلاح شده است. وزارت نفت باید با همین قراردادها وارد کار شود و میدان را رقابتی کند. دیگران از این میدان‌ها برداشت می‌کنند و تمام می‌شود. گاز هم ممکن است به سمت دیگر مهاجرت کند.

کدام شرکت‌ها و کشورها برای سرمایه‌گذاری در میادین مشترک ابراز تمایل کرده‌اند؟

تا جایی که اطلاع دارم، اکثر شرکت‌های بزرگ ابراز تمایل کرده بودند اما وقتی در داخل کشور حرف و حدیث زیادی ایجاد می‌شود، شرکت‌ها نگران می‌شوند. غیرمستقیم شنیده‌ام توتال، انی، شل و بقیه ابراز علاقه‌مندی کرده‌اند که در میادین نفت و گاز ایران کار کنند اما شرایط نباید به گونه‌ای پیش برود که احساس کنند در ایران همدلی و تصمیم واحدی وجود ندارد و اگر بیایند، دچار موانع و مشکلات می‌شوند. در این صورت احتیاط می‌کنند. باید بستر را فراهم و از تمایل این شرکت‌ها استقبال کنیم. باید هوشیار باشیم و به انتقال تکنولوژی و برداشت صیانتی توجه کنیم. ایرادهایی که می‌گرفتند این بود که برداشت‌ها صیانتی نیست. درحال‌حاضر این ایرادها اصلاح شده است. ممکن است بعدا باز هم ایرادی پیدا شود، هیچ انشایی بدون غلط نخواهد بود. ولی کار کارشناسی خوبی روی قراردادها انجام شده و سعی شده جذاب و رقابتی باشند. مهم است آنچه پیشنهاد می‌دهیم بازار را جذب کند. بالاخره باید هوشیار عمل کنیم، نمی‌توانیم در داخل با هم در کشمکش باشیم و رقیبمان در طرف دیگر سود ببرد؛ چون کشمکش ما باعث می‌شود سرعت جذب سرمایه و تکنولوژی کم شود که به نفع رقیبمان خواهد بود؛ کمااینکه تا به حال هم این‌طور بوده است.

آیا مذاکرات با سرمایه‌گذاران قبلی ادامه دارد و ترجیح بر ادامه حضور آنهاست؟

تا جایی که اطلاع دارم، شرکت نفت با همه شرکت‌ها و با هر کسی که توانمندی انجام کار را داشته باشد مذاکره می‌کند.

یعنی هنوز هم چین و هند حضور دارند؟

باید توانایی کار داشته باشند. تصور نمی‌کنم وزارت نفت مانع کسی شود اما در هر صورت کسانی هم که می‌خواهند کار کنند، باید توانایی خودشان را نشان دهند. اکنون کسی مثل آقای زنگنه در شرکت نفت است و حواسش جمع است و دیگران می‌دانند باید به‌موقع پروژه را آماده کنند. کشورهایی که در خودشان توانایی نمی‌بینند یا تکنولوژی خوبی ندارند، خودشان باعث می‌شوند که نتوانند کار کنند. شرکت‌هایی که توانمند و صاحب تکنولوژی هستند، قدم پیش می‌گذارند و شرکت‌هایی که فاقد تکنولوژی و توانایی هستند، خودشان پا پیش نمی‌گذارند.

در طول سه سال گذشته از آسیا به اروپا سوئیچ کرده‌ایم؟

به نظر می‌رسد این اتفاق افتاده و آنچه می‌بینم افزایش تمایل اروپایی‌هاست. چون صنعت نفت و گاز ایران چیزی نیست که کسی بتواند از آن بگذرد و برای همه جذابیت دارد.

شبه‌دولتی‌ها در سرمایه‌گذاری میادین مشترک چه نقشی دارند؟

شبه‌دولتی‌ها در دولت نهم و دهم همه میادین را در اختیار گرفته بودند. به‌خصوص اکثر فازها در پارس جنوبی. اکنون هم هستند ولی باید کار را تسریع کنند.

یعنی اکنون هر شرکت خارجی بخواهد در این میادین حضور یابد، شریک آنها خواهد شد؟

حتما وزارت نفت راهکارهای مناسب‌تری ایجاد می‌کند چون شبه‌دولتی‌ها از قراردادهایی که امضا کرده‌اند، خیلی عقب‌تر هستند.

پس احتمال دارد کنار گذاشته شوند؟

بله، وزارت نفت می‌تواند این کار را انجام دهد.

به نظر شما، نوع قراردادهایی که در میدان‌های مشترک به کار برده می‌شود، باید مثل قبل باشد یا نوع جدیدی از قراردادها را پیشنهاد می‌کنید؟

من می‌گویم قراردادهای جدید باید با توانایی رقابتی به کار گرفته شود. البته معتقدم شاید در خزر باید انعطاف بیشتری داشته باشیم چون متأسفانه از خزر چیزی برداشت نمی‌کنیم. همه از منابع خزر برداشت می‌کنند. در خزر سکوی شناور امیرکبیر را داریم اما در برداشت از خزر عقب هستیم و تابه‌حال برداشتی نداشته و فعلا به نفت نرسیده‌ایم. اما در مقابل روسیه، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان نفت سبک برداشت می‌کنند.

چطور بقیه به نفت رسیده‌اند؟

میادین نفت و گازی که سمت ایران است، به‌خوبی طرف مقابل نیست. اگر خزر را به پنج کشور حاشیه مساوی تقسیم کنند و ۲۰ درصد سهم ایران باشد، میادین مناسب نفت و گاز در اختیار ایران قرار می‌گیرد که فعلا ۲۰ درصد ایران را تأیید نکرده‌اند. چون طرف مقابل ۱۳، ۱۴ درصد را قبول دارد.

به چه علت؟

این را باید از دولت نهم و دهم پرسید. قبل از اینکه اتحاد جماهیر شوروی از هم پاشیده شود، ۵۰-۵۰ بین ایران و شوروی بود، بعد بحث این بود که هرکدام از کشورهای حاشیه، ۲۰ درصد داشته باشند و اکنون هم زمزمه دیگری شنیده شده و می‌گویند اگر از طرف آستارا، مرز ایران را به طرف گلستان بکشیم، محدوده‌ای که به وجود می‌آید، نشان می‌دهد سهم ایران ۱۳، ۱۴ درصد است که در این صورت نفت و گاز زیادی در بخش ایرانی نخواهد بود. دولت اصلاحات دنبال سهم ۲۰ درصدی بود. به نظر می‌رسد در زمان دولت قبل سهم کمتری گفته شده و دولت وقت باید اعتراض می‌کرده که این کار را انجام نداده است. این در حالی است که دولتمردان در زمان دولت‌های هفتم و هشتم از سهم ۲۰ درصدی کوتاه نیامدند اما دولت قبل به سهم کمتر اعتراض نکرد.

تحریم‌ها چقدر روی میادین ما تأثیر داشته است؟

تحریم‌ها حتما تأثیر داشته چون عقب‌ماندگی کنونی ما ناشی از تحریم‌هاست. وقتی تحریم وجود داشته باشد، تکنولوژی وارد نشده و سرمایه‌گذاری انجام نمی‌شود؛ چون منابع خارجی جذب نمی‌شود.

آیا کشورهایی که با ایران میادین مشترک دارند، از رفع تحریم‌ها ابراز نگرانی کرده‌اند؟

بله. آنها نگران‌اند ایران بتواند سهم بیشتری از میادین برداشت کند. شرکت‌های بزرگ آمریکایی می‌توانند در این منطقه فعالیت کنند؛ به این معنا که ایران می‌تواند از منابع مشترک سهم خودش را بردارد که در این صورت عقب‌ماندگی ایران از طرف‌های مقابل رفع خواهد شد.

برای ایجاد اختلال، کاری انجام می‌دهند یا تخفیفی می‌دهند؟

ممکن است تخفیف بدهند. طبیعی است. اگر ایران بخواهد به میزان برداشت بیشتر برسد، رقبا به هر طریقی که بتوانند، جلوی این اتفاق را خواهند گرفت. شنیده‌ام عربستان و حتی قطر و عراق کارهایی در این زمینه انجام داده‌اند. هر کس تولیدات خود را با شرایط آسان‌تری بالا ببرد، در واقع علیه ما کار می‌کند و وضع ما را بحرانی‌تر می‌کند. بنابراین باید هرچه‌سریع‌تر فکری به حال اجراکردن قراردادهای نفتی بکنیم.

اقتصاد سبز

زنجیره عرضه سبز محصولات کشاورزی

فاطمه پاسبان
کارشناس کشاورزی

● در جهان کنونی آلودگی محیط زیست مشکل اصلی کره زمین و حیات آن است که در صورت توجه‌نکردن به آن حیات موجودات زنده و انسان به خطر افتاده و حتی به نابودی کشانده خواهد شد؛ انواع آلودگی‌هایی از قبیل آلودگی آب‌وخاک و هوا که‌نیاز به توجه فوری دارند. گازهای گلخانه‌ای و راهکارهای مقابله با انتشار آن یکی از رویکردهای سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای مختلف جهان برای مقابله با آلودگی‌هاست. چالش زیست‌محیطی و مقابله با انتشار گازهای گلخانه‌ای نه‌فقط دولت‌های جهانی، بلکه سازمان‌ها و شرکت‌های تولیدی و خدماتی را تهدید کرده به‌طوری‌که رویکرد مشتری‌گرایی و تمرکز بر خواسته‌های آن و طراحی راهبرد سازمان بر این اساس، برای ایجاد مزیت رقابتی در سازمان‌ها کم‌رنگ شده است. ازاین‌رو رویکرد جدیدی با عنوان زنجیره عرضه سبز (Green Supply Chain) برای راهبرد سازمان‌ها، شرکت‌ها و تولیدکنندگان مطرح شده است. زنجیره عرضه سبز شامل همه فعالیت‌های قبل از تولید محصول تا سفره (محصول نهایی که تقاضاکننده می‌خرد و مصرف می‌کند) بوده که در همه فعالیت‌های آن معیارها و ملاحظات زیست‌محیطی رعایت می‌شود. مدیریت زنجیره عرضه سبز از سوی انجمن پژوهش صنعتی دانشگاه ایالتی میشیگان در سال ۱۹۹۶ معرفی شد که درواقع مدل مدیریت نوینی برای حفاظت از محیط زیست است. منافع حاصل از زنجیره عرضه را می‌توان در دو گروه خلاصه کرد: گروه اول) افزایش کارایی، بهبود بهره‌وری، ایجاد بازارهای جدید، کاهش هزینه، کاهش آلاینده‌ها، افزایش تعهد و مسئولیت اجتماعی. گروه دوم) بهینه‌شدن مصرف انرژی، کاهش مواد پسماند، کاهش هزینه، حفظ منابع طبیعی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد و حفظ محیط زیست بهتر برای نسل‌های آینده. در زنجیره عرضه محصول سنتی هدف کاهش هزینه‌ها و افزایش کیفیت محصول بود و در آن هزینه‌های تخریب محیط زیست در مجموع هزینه‌ها لحاظ نمی‌شود.
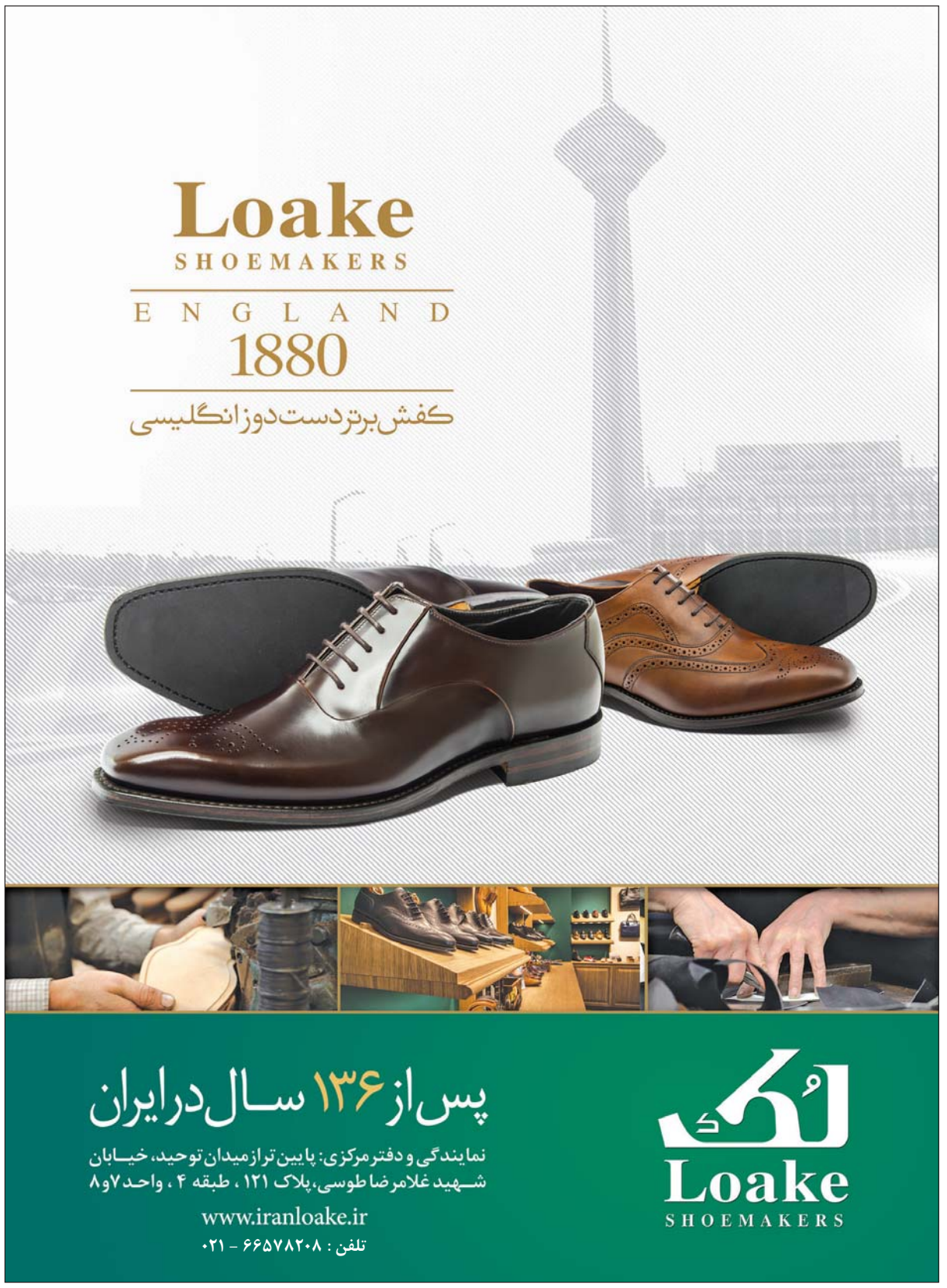
ادامه در صفحه ۱۵